

### تنجیم پزشکی نزد بقراط و جالینوس

غلامحسین مقدم حیدری<sup>\*۱</sup>

۱. دانشیار، گروه فلسفه علم، مدیر گروه تاریخ علم و تمدن، پژوهشکده تاریخ و فلسفه علم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

#### چکیده

در دوره پیشامدرن تنجیم رویه ارتباط اجسام سماوی با زندگی‌ها و رویدادهای روی زمین و سنت حاصل از آن بوده است. وجهی از تنجیم مبتنی بر دانش نجوم و محاسبات ریاضی بود و وجه دیگر آن به طالع بینی می‌پرداخت. می‌توان از دو نوع تنجیم سخن گفت: تنجیم طبیعی و تنجیم احکامی. تنجیم طبیعی در زمان خود بخشی از فرایند تبیین رویدادها و پیش‌بینی آن‌ها بود. درحالی‌که تنجیم احکامی به طالع بینی و پیش‌بینی تقدیر و سرنوشت افراد و جنگ‌ها، رخ دادن بیماری‌ها می‌پرداخت. اما نکته قابل تأمل این است که بسیاری از دانش‌ها در دوره پیشامدرن از نتایج تنجیم استفاده می‌کردند. به طوری که فهم دانش‌های مرتبط با آب‌وهوا، کشاورزی و پزشکی در عصر پیشامدرن بدون فهم تنجیم کامل نیست. در این مقاله می‌کوشیم در بخش نخست به طور اجمال تنجیم و اقسام آن را بیان کنیم و برخی از ویژگی‌های تنجیم پزشکی را به عنوان بخشی از تنجیم طبیعی برشماریم. در بخش دوم به بررسی چگونگی تأثیر تنجیم بر نظریه‌های پزشکی بقراط و جالینوس در یونان باستان پردازیم و نشان می‌دهیم تنجیم پزشکی در نزد آنان بخشی از فرایند طبیعی تبیین بیماری‌ها و روش‌های درمان و پیشگیری از آن‌ها بوده است.

**واژگان کلیدی:** تنجیم طبیعی، تنجیم احکامی، تنجیم پزشکی، بقراط، جالینوس.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۵/۱۹

\* نویسنده‌ی طرف مکاتبه:

غلامحسین مقدم حیدری

آدرس: تهران، اتوبان کردستان، نبش خیابان

۶۴، پژوهشگاه علوم انسانی

کد پستی: ۱۴۳۷۷۷۴۶۸۱

تلفن: ۰۲۱۸۸۳۱۷۲۰۰

Email: gmheidari@gmail.com

## مقدمه

## پیام‌های کلیدی

۱) بکارگیری تنجیم طبیعی در پزشکی پیشامدرن بخشی از فرایند طبابت و تشخیص و درمان بوده است.

۲) تنجیم، بخشی از تاریخ پزشکی پیشامدرن است که تا کنون بدان توجه نشده است.

۳) فهم کامل پزشکی بقراط و جالینوس بدون فهم تاثیر تنجیم بر نظریه پزشکی آنان امکان پذیر نیست.

۴) ارتباط میان بخش‌های مختلف بدن، بیماری‌ها و داروها با خورشید، ماه، سیارات و دایره البروج را تنجیم پزشکی می‌گویند.

برای اکثر فیلسوفان و منجمان یونانی قرن چهارم پیش از میلاد و پس‌از آن زمین کره کوچکی بود که در مرکز هندسی کره خیلی بزرگ‌تری که ستارگان را حمل می‌کرد معلق بود. خورشید در فضای پهناور بین زمین و کره ستارگان حرکت می‌کرد. بیرون کره بیرونی هیچ چیزی وجود نداشت، نه فضایی و نه ماده‌ای. این نظریه درباره جهان باستان به "جهان دو فلکی"<sup>۱</sup> مشهور است. جهانی شامل یک کره درونی برای بشر و یک کره بیرونی برای ستارگان. در اواسط قرن چهارم ارسطو با به‌کارگیری این انگاره مفهومی طرح کیهان‌شناختی را بنیان نهاد که برای مدت دو هزار سال پارادایم حاکم بر جامعه بشری شد و فیلسوفان و منجمان براساس آن کار می‌کردند. برای ارسطو کل جهان محصور به کره ستارگان بود یا به‌طور دقیق‌تر درون سطح بیرونی آن کره و در هر نقطه درون این کره برخی انواع ماده وجود داشت.

کره ماه منطقه تحت القمر نام داشت که زمین در مرکز آن واقع بود.

منطقه تحت القمر نه با یک عنصر بلکه با چهار عنصر پر شده بود و توزیع این چهار عنصر زمینی گرچه به لحاظ نظری ساده بودند اما در واقعیت بی‌نهایت پیچیده بودند. مطابق قوانین حرکت ارسطو در غیبت هر نیروی خارجی این عناصر در رشته‌ای از چهار پوسته هم‌مرکز قرار می‌گرفتند شبیه کرات اتری که از عنصر پنجم تشکیل شده و آن‌ها را احاطه کرده بودند. خاک، عنصر سنگین، به‌طور طبیعی به‌سوی درون کره‌ای در مرکز جهان حرکت می‌کند. آب گرچه سنگین است اما به سنگینی خاک نیست پس در پوسته کروی‌ای حول وحوش منطقه مرکزی زمین جای می‌گیرد. سبک‌ترین عنصر آتش،

بزرگ‌ترین بخش درون جهان با عنصر واحدی یعنی اتر پر شده که در مجموعه‌ای از پوسته‌های تو در تو متحدالمرکز انباشته شده است (پنجاه و پنج پوسته). پوسته‌هایی که کره‌های توخالی عظیمی را تشکیل می‌دهند که بیرونی‌ترین سطح آن بخش بیرونی کره ستارگان است و داخلی‌ترین سطح آن، پایین‌ترین سیاره یعنی ماه را حمل می‌کند. اتر عنصری آسمانی است ماده‌ای بلوری، تغییرناپذیر، شفاف و بی‌وزن. سیارات، ستارگان و پوسته‌های کروی هم‌مرکز که گردش آن‌ها حرکات آسمانی را تبیین می‌کنند از اتر ساخته شده‌اند. فضای داخل

1. Two-sphere universe

از تنجیم که به بررسی حرکات افلاک می‌پردازد مبتنی بر دانش نجوم و محاسبات ریاضی است. اما وجه دیگر آن با استناد به صور فلکی و حرکات ستارگان و سیارات و چگونگی قرار گرفتن آنها نسبت به یکدیگر، از آینده خبر می‌دهد و حوادثی همچون تغییرات آب و هوایی، زلزله، بیماری، جنگ و صلح را پیش‌گویی می‌کند و بدین گونه اخباری از نحوست یا سعادت ایام برای افراد یا یک قوم می‌دهد. از نظر دانشمندان و برخی مورخین مدرن بخشی از تنجیم که به پیشگویی و طالع بینی می‌پردازد معمولاً خرافه‌هایی پنداشته می‌شود که در طول زمان به علم نجوم افزوده شده است. از این رو تنجیم انحرافی در سیر تاریخ علم به‌ویژه نجوم پنداشته می‌شود و بررسی تاریخی آن با چالش‌هایی مواجه است. پاتریک کوری<sup>۲</sup> معتقد است که تاریخ‌نگاری تنجیم با دو مشکل مواجه است: یکی غلبه نگاه ویگی<sup>۳</sup> است که سبب شده تا تنجیم به‌عنوان دانشی ابتدایی قلمداد شود و از این رو بدان پرداخته نشود. از سویی دیگر تنجیم در گذشته نقطه تلاقی رشته‌هایی مثل نجوم، فلسفه طبیعی، پزشکی، جادوی طبیعی، مذهب و فالگیری بوده است. حال آنکه الان هر یک از این دانش‌ها به شاخه‌ای جدا و مستقل تبدیل شده‌اند بدون آنکه نامی از تنجیم در میان باشد. این دو مشکل بررسی تاریخ تنجیم را با چالش مواجه کرده و تصور ما از تنجیم را فقط در طالع

به‌طور خودجوش بالا می‌رود تا پوسته‌ای از خودش را زیر کره ماه تشکیل دهد. هم‌چنین هوا عنصری سبک است که این ساختار را با پر کردن پوسته باقی‌مانده بین آب‌و‌آتش کامل می‌کند. برای رسیدن به این مواضع عناصر در جاهایشان با خلوص عنصری کاملشان قرار می‌گیرند.

اگر منطقه تحت القمر را به حال خود رها کنیم و به‌وسیله نیروهای خارجی آرامش آن را به هم‌نزمین منطقه‌ای ساکن خواهد بود که انعکاس‌دهنده تأثیر کرات سماوی بر ساختارش خواهد بود. اما این منطقه زمینی هرگز آرام نیست و به‌وسیله کره متحرک ماه محدود شده و حرکت این لایه مرزی بر لایه آتش زیر آن فشار آورده و سبب آغاز جریان‌هایی در سراسر جهان تحت القمر می‌شود که سبب برخورد عناصر و ترکیب آنها با هم می‌شود. بر این اساس قائلین به جهان دو فلکی معتقد بودند که حرکات افلاک همه تغییرات و تقریباً همه مشاهدات متنوع در جهان تحت القمر را سبب می‌شود. بررسی تأثیر حرکات افلاک - ماه، خورشید، ستارگان، صور فلکی - بر روی کرات سماوی بر جهان تحت القمر سبب شکل‌گیری دانشی شد که به تنجیم معروف است.

در واقع «تنجیم رویه<sup>۱</sup> ارتباط اجسام سماوی با زندگی‌ها و رویدادهای روی زمین و سنت حاصل از آن است.» (۱). وجهی

نظریه های نجومی جدید به‌عنوان نظریه های معقول و علمی، بخشی از تنجیم که به پیشگویی و طالع بینی می‌پردازد خرافه پنداشته می‌شوند. اما این رویکرد در نیمه دوم قرن بیستم مورد نقد قرار گرفت و افرادی همچون هربرت باترفیلد و تامس کوهن نشان دادند که اولاً تمییز میان یک موضوع علمی و آنچه خرافه و اشتباه می‌نامیم چندان کار ساده ای نیست ثانیاً آنچه ما اکنون «غیر علمی» و «نامعقول» می‌نامیم در بستر فرهنگی، فلسفی و اجتماعی عصر خود امری «معقول» و «علمی» بوده است. از این رو باید کوشید کمال و تمامیت تاریخی آن علم را در زمان خود نشان داد.

## 1. Practice

## 2. Patrick Curry

لیسانس خود را در روانشناسی از University of California at Santa Cruz (1978) و فوق لیسانس خود را در منطق و روش علمی از دانشگاه L. S. E (1980) و دکتری خود را در تاریخ و فلسفه علم از University College London (1987) دریافت کرده است. او چندین کتاب در زمینه تنجیم دارد.

۳. ویژگی اصلی این نوع تاریخ‌نگاری این است که گذشته را با ارجاع و تکیه به نظریه های علمی امروز مطالعه میکند. بنابراین با در نظر گرفتن

احکامی- را بیان کنیم لازم است تا ابتدا اشاره‌ای به چگونگی شکل‌گیری این تقسیم‌بندی در قرون وسطی کنیم. پس از ظهور مسیحیت تنجیم هیچ‌گاه از طرف کلیسای مسیحی پذیرفته نشد. آکوستین و آباب اولیه کلیسا آن را نوعی بت‌پرستی و شرک‌گرایی می‌دانستند که می‌کوشید با احکامش جایگزین اراده آزاد بشر و قدرت مطلقه الهی شود. از این رو طالع بینی را در خدمت شیاطین و در راستای کمک به آن‌ها می‌دیدند. اما علی‌رغم این مخالفت‌ها طالع بینی در اروپای قرون وسطایی همچنان در سطوح مردمی و نخبگان رایج بود و علمی استقرار یافته تلقی می‌شد.

دوگانه پذیرش/انکار تنجیم سبب شد تا در اواخر قرن سیزدهم توماس آکویناس راه حلی مصالحه آمیز برای این موضوع ارائه کند. او با ترکیب الهیات مسیحی و فلسفه طبیعی ارسطویی از نوعی تنجیم به نام «تنجیم طبیعی» سخن گفت که می‌توانست بر پدیده‌های فیزیکی- از جمله بدن انسان- تأثیر بگذارد اما نمی‌توانست به‌طور مستقیم بر روح انسان‌ها تأثیرگذار باشد. بنابراین، از نظر او، سخن گفتن از تنجیم طبیعی مجاز بود اما احکامی که می‌کوشیدند براساس تفسیر موقعیت و حرکت اجرام سماوی به داوری و قضاوت درباره زندگی انسان‌ها بپردازند و طالع آنان را پیش‌بینی کنند، غیر قانونی تلقی می‌شد. این نوع تنجیم که به «تنجیم احکامی» معروف شد شامل احکام

بینی و پیشگویی آینده محصور کرده است (۲). این نکته که تنجیم نه تنها دانشی مهم در روزگار خود بوده بلکه با انواع دانش‌های عصر خود نیز در ارتباط بوده است سبب شده تا فهم دانش‌های مرتبط با آب‌وهوا، کشاورزی و پزشکی در عصر پیشامدرن<sup>۱</sup> بدون فهم تنجیم<sup>۲</sup> کامل نباشد. در این مقاله می‌کوشیم تا رابطه تنجیم با پزشکی در عصر پیشامدرن را نشان دهیم. بررسی جامع و کامل این موضوع نیازمند پژوهشی گسترده و مفصل در نظریه‌های پزشکی اخلاقی تا نیمه قرن نوزدهم - زمانی که پزشکی بالینی استقرار یافت - است. از این رو در این مقاله فقط به دو مطالعه موردی در پزشکی یونان باستان اشاره می‌کنیم: پزشکی بقراط و جالینوس. بررسی چگونگی تأثیر تنجیم بر نظریه‌های پزشکی بقراط و جالینوس در یونان باستان دارای اهمیت ویژه‌ای است زیرا پزشکی اخلاقی براساس نظریه‌های بقراط و جالینوس بنا شده است. بنابراین بررسی این دو نظریه می‌تواند مقدمه‌ای بر کاوش‌های بعدی در این زمینه شود. از این رو در ادامه با بیان تمایز میان تنجیم طبیعی<sup>۳</sup> و تنجیم احکامی<sup>۴</sup> به بررسی تنجیم پزشکی به‌عنوان بخشی از تنجیم طبیعی می‌پردازیم. سپس بخش‌هایی از پزشکی بقراط و جالینوس را بررسی می‌کنیم که می‌توان آن‌ها را نوعی تنجیم پزشکی دانست.

### ۱- تنجیم طبیعی و تنجیم احکامی

برای اینکه تفاوت و تمایز میان دو نوع تنجیم - طبیعی و

مدرن و نهادهای وابسته بدان شکل می‌گیرد. دوره زمانی پیش از این را که نظریه طب اخلاقی بر آن حاکم است پیشامدرن می‌نامیم.

2. Astrology
3. Natural astrology
4. Judicial astrology

۱. دوره مدرن دوره‌ای زمانی است که بعد از قرون وسطی در اروپا شروع می‌شود. این دوره را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: اوایل دوره مدرن که تقریباً از ابتدای قرن ۱۶ آغاز شد و شامل رنسانس می‌شود. اواخر دوره مدرن که از اواسط قرن ۱۸ آغاز می‌شود. منظور ما از دوره مدرن در این مقاله - تنجیم پزشکی - دوره زمانی است که از اواسط قرن هیجدهم آغاز می‌شود که پزشکی

تفسیری بود<sup>۱</sup> (۳).

مجموعه‌ای از احکام به طالع بینی افراد و جوامع پردازد. برخی از این احکام به بیان رابطه مقارنه میان اجرام سماوی و رویدادهای زمینی می‌پردازند تا مردم با مراجعه به آن‌ها بتوانند چگونگی روی دادن اتفاقات آینده را در سالی که مقارنه مزبور رخ داده پیش‌بینی کنند.

در این مقاله تمرکز ما بر روی تنجیم طبیعی است. تنجیم طبیعی را می‌توان به بخش‌های گوناگونی تقسیم کرد. بخشی از تنجیم طبیعی، تنجیم آب و هوایی<sup>۴</sup> است که برای تعیین الگوهای آب و هوایی براساس منطق ارسطویی- بطلمیوس است. بخش مهم دیگر تنجیم پزشکی است. در ادامه به بیان برخی از مقومات تنجیم پزشکی می‌پردازیم.

## ۲- تنجیم پزشکی<sup>۵</sup>

در دوران پیشامدرن بر این باور بودند که «هر چیزی در جهان به‌منظور خاص و نیت خیری خلق شده است. از جمله ستارگان که اولین رابطه بین انسان و سماوات هستند. مردمان باستان به‌خوبی می‌دانستند که تأثیر ستارگان - به‌ویژه سیارات - را بر همه چیزهای زمینی از جمله سلامت چگونه تفسیر کنند» (۵). ما امروزه، ارتباط میان بخش‌های مختلف بدن، بیماری‌ها و داروها با خورشید، ماه، سیارات و دایره‌البروج را تنجیم پزشکی می‌نامیم. مثلاً در برخی دستگاه‌ها قلب به خورشید، کلیه به

برخی از مورخین علم همچون کوپر معتقدند که ما می‌توانیم این تقسیم‌بندی را برای بررسی تنجیم در دوره پیشامدرن به‌کارگیریم و از دو نوع تنجیم سخن بگوییم: تنجیم طبیعی و تنجیم احکامی (۴). بدین گونه تنجیم طبیعی به بررسی چگونگی تأثیر رویدادهای سماوی بر تغییرات طبیعی و فیزیکی کره تحت القمر می‌پردازد. تغییراتی همچون تغییرات آب و هوایی، زلزله، خشک‌سالی، سیل، رعدوبرق، آتش‌سوزی، مرگ‌ومیر، سلامتی و امراض و بیماری‌های همه‌گیر. تنجیم طبیعی در زمان خود بخشی از فرایند تبیین رویدادها و پیش‌بینی آن‌ها بود همانگونه که ما در عصر حاضر براساس نظریه‌های فیزیک و اختر فیزیک به تبیین و پیش‌بینی رویدادهای طبیعی می‌پردازیم<sup>۲</sup>. در این نوع تنجیم تلاش می‌شد تا مکانیسم‌هایی برای تأثیر رویدادهای سماوی بر رویدادهای زمینی بیان شود. مثلاً برخی از تغییرات در حرکات اجرام سماوی سبب تغییرات آب و هوایی بر روی زمین می‌شد که نتیجه آن بروز برخی از بیماری‌ها بود.

از سویی دیگر تنجیم احکامی به طالع بینی و خواندن آینده انسان‌ها و جوامع - پیش‌بینی تقدیر و سرنوشت افراد و جنگ‌ها، رخ دادن بیماری‌ها و همه‌گیری‌ها - می‌پرداخت. این نوع از تنجیم را «احکام نجومی<sup>۳</sup>» می‌نامیم که می‌کوشید تا براساس

۱. البته پیروان کلیسا برای توجیه تنجیم احکامی برخی اوقات به عبارت زیر متوسل می‌شدند:

*Judiciary astrology: God's judgment announced in the stars*

۲. این شیوه ای است که ما در رویکرد علمی معاصر نیز استفاده می‌کنیم. مثلاً برای تبیین شایع شدن برخی از سرطان‌های پوست می‌کوشیم تا آن را به اجرام سماوی مانند خورشید نسبت دهیم. هم‌چنین تأثیر طوفان‌های

خورشیدی بر پیدایش شفق‌های قطبی و زندگی بر روی زمین، نمونه دیگری از تأثیر اجرام سماوی بر زمین است.

۳. کتاب «الاحکام علی قرانات الکواکب» نوشته ابی معشر جعفر بن محمد منجم بلخی (متوفی ۲۷۲ هجری) نمونه ای از رساله‌هایی هست که به موضوع احکام نجومی می‌پردازد. این واژه «احکام نجومی» براساس رساله‌هایی از این دست انتخاب شده است.

4. Meteorology  
5. Medical astrology

همان‌طور که ملزم به دانستن نقشه ستاره‌ای تولد فرد و جهات نامطلوبی بودند که ممکن بود روی فرد تأثیر بگذارند. کسانی که می‌خواستند پزشک شوند یا حافظ سلامتی افراد باشند پزشک تمام‌عیار نمی‌شدند مگر اینکه بتوانند آزمون‌های تنجیم را با نتایج رضایت‌بخش بگذرانند» (۶).

در ادامه به بررسی نقش تنجیم در نظریه پزشکی اخلاطی بقراط و جالینوس می‌پردازیم.

### ۳- تنجیم در پزشکی اخلاطی بقراط

شاید بتوان گفت که بقراط مهم‌ترین پزشکی است که نظریه پزشکی اخلاطی را در رساله‌های خود تدوین کرد. در ادامه می‌خواهیم نشان دهیم که تنجیم بکار گرفته‌شده توسط او در آثارش، طالع بینی نیست بلکه تنجیم طبیعی است. وی می‌کوشد تا با استفاده از اطلاعات نجومی درباره اجرام سماوی و منطقه البروج، به دو شیوه بیماری‌ها را تشخیص دهد:

- بیان تطابق میان بیماری‌ها با موقعیت اجرام سماوی  
- پیش‌بینی وضعیت آب‌وهوا و تطابق آن با موقعیت اجرام سماوی و تشخیص بیماری‌ها

برای مورد اول چرخش روح و تطابق آن با چرخش سماوی را براساس رساله *تقدمه المعرفة*<sup>۲</sup> و برای مورد دوم رساله *لأزمنه* و المیاه و البلدان<sup>۳</sup> را بررسی می‌کنیم. پرسش مهمی که در این مقاله با آن روبرو هستیم این است که آنان چگونه میان تغییرات سماوی و سلامتی و بیماری انسان‌ها رابطه برقرار می‌کردند؟

زهره و کبد به مشتری مرتبط می‌شود. هم‌چنین میان مناطق دوازده‌گانه دایره البروج با قسمت‌هایی از بدن از سر (برج حمل) تا انگشتان پا (برج ماهی) ارتباط برقرار می‌سازد. بدین گونه سلامتی و بیماری انسان با توجه به موقعیت اجرام سماوی تشخیص داده می‌شود. درمان بیماری‌ها نیز با توجه به موقعیت این اجرام و داروهایی که براساس زمان‌بندی‌های نجومی ساخته‌شده و تجویز می‌شوند، انجام می‌گیرند. بدین گونه می‌توان پنج مرحله برای درمان بیماری در نظر گرفت:

- تعیین تاریخ تولد بیمار برحسب دایره البروج
- تشخیص پدیده سماوی مرتبط با بیماری
- سال یا فصلی که بیماری بروز کرده و بررسی ویژگی‌های دایره البروجی آن.
- تعیین بهترین زمان برای انجام شیوه‌های درمانی براساس دایره البروج
- انتخاب گیاهان و داروهای درمانی براساس ویژگی‌های نجومی‌شان.

از این رو در دوره پیشامدرن اغلب پزشکان از روش‌های ستاره‌شناسی و موقعیت آن‌ها در کره سماوی آگاه بودند و آن را در درمان بیماری‌های فردی و یا تبیین و پیش‌بینی رخ دادن همه‌گیری‌ها بکار می‌بستند. از این رو همان‌طور که هاوارد لسلی کورنل<sup>۱</sup> - پزشک و استاد تنجیم پزشکی - در مقدمه اولین دایره المعارف تنجیم پزشکی که در سال ۱۹۳۳ منتشر شد می‌گوید: «در زمان‌های قدیم، همه پزشکان و شفادهندگان ملزم به دانستن طالع بینی و ارتباط آن با بیماری و افراد مبتلا بودند

2. Regimen

3. On Airs, Waters, and Places هواها، آب‌ها و مکان‌ها

1. Howard leslie cornell, m. D., ll. D. Honorary Professor of Medical Astrology at the First National University of Naturopathy and Allied Sciences, Newark, N J.

۳-۱- چرخش روح<sup>۱</sup>، چرخش سماوی<sup>۲</sup>

بقراط در رساله *تقدمه المعرفة* معتقد است که در بدن انسان چرخش روح رخ می‌دهد که با چرخش سماوی متناسب است. البته باید توجه کرد که تصور او از روح<sup>۳</sup> تصویری دینامیک و عینی است. او در این رساله از گذرگاه‌های<sup>۴</sup> روح سخن می‌گوید. «گذرگاه‌هایی که روح در آن‌ها حرکت می‌کند» (۷)؛ او همچنین به «جنبش روح»<sup>۵</sup> نیز معتقد است. برای بقراط روح سیالی مرکب از آب و آتش هست که از درون گذرگاه‌های درون بدن حرکت می‌کند. نکته قابل توجه این است که این حرکت مدور است. از نظر بقراط «روح انسان از آب و آتش ترکیب شده است... که راهش را درون هر حیوانی از جمله هر انسان پیر و جوانی که تنفس می‌کند باز می‌کند. البته حرکت روح در همه افراد یکسان نیست. در بدن افراد جوان چرخش روح سریع است و چون بدن در حال رشد است، می‌سوزد و به صورت نور درمی‌آید و در فرایند رشد بدن مصرف می‌شود. در افراد مسن این حرکت کند است و بدن سرد است و در فرایند زوال بدن مصرف می‌شود» (۸).

بنابراین از نظر بقراط روح درون بدن می‌چرخد و در طول شکل‌گیری جنین و پس از تشکیل پوسته خارجی، آتش در درونی‌ترین بخش بدن محبوس و توسط رطوبت بدن تغذیه می‌شود. پس از آن سوراخی در شکم که مخزن رطوبت است شکل می‌گیرد. بعد از آن کانال تغذیه و تنفس به وجود می‌آید که به سوی بیرون باز است و در حالی که آتش درون بقیه بدن محبوس شده، سه مدار<sup>۶</sup> مدور حول شکم به وجود می‌آید. این سه مدار هم‌مرکز که به هم مرتبط هستند تصویر سه مدار کیهان

می‌باشند که نزدیک‌ترین آن‌ها به شکم مشابه مدار ماه است و بیرونی‌ترین مدار مشابه مدار ستارگان هست. در حالی که مدار میانی مشابه مدار خورشید است. داغ‌ترین و قوی‌ترین آتش در مدار میانی قرار دارد و «در این آتش، روح و هوش و تفکر قرار گرفته است» (۹)؛ از این رو به نظر می‌رسد که مدار روح منطبق با مدار میانی است.

تغییرات سرعت چرخش روح به ترکیب عناصر سازنده (اربعه) وابسته است. در این میان «آتش می‌تواند همه‌چیز را جابجا کند و آب همه‌چیز را پرورش می‌دهد». جوانا معتقد است این تبیین را می‌توان به‌مثابه سیکلوترونی دید که آتش شتاب‌دهنده ذرات روح و آب ترمز آن است. بنابراین وقتی آب و آتش در تعادل اند سرعت چرخش روح ایده آل است. وقتی آتش بر آب فائق می‌شود، روح سریع‌تر می‌چرخد و اگر آتش خیلی خیلی قدرتش بیشتر از آب شود روح خیلی سریع‌تر می‌چرخد و سبب بروز دیوانگی می‌شود. بالعکس اگر آب بر آتش حاکم شود سرعت روح کندتر می‌شود و اگر این کند شدن تشدید شود سبب جنون حماقت می‌شود. به عبارت دیگر، سرزندگی و کندی ذهن بر سرعت یا کندی روح منطبق است و آن‌هم منطبق بر ترکیب آب و آتش است که حول یک مدار می‌چرخند و در درون بدن انسان محصورند. بدین گونه «چرخش‌های درون بدن با چرخه‌های سماوی مرتبط می‌شوند» (۱۰) و «تطابقی میان ساختار عالم صغیر<sup>۷</sup> و عالم کبیر<sup>۸</sup> به وجود می‌آید» (۱۱).

5. The movement of the soul
6. Circuit
7. Microcosm
8. Macrocosm

1. A rotation of the soul
2. Astral rotation
3. Soul
4. Passage

## ۲-۳- تأثیر طلوع و غروب خورشید و ستارگان بر

## بیماری‌ها

بقراط در ابتدای کتاب هواها، آب‌ها و مکان‌ها به عواملی اشاره می‌کند که بدون در نظر گرفتن آن‌ها شیوه درمان پزشکی درست و کامل نیست: این عوامل عبارتند از:

- فصل‌ها: هر فصلی تأثیرات مختص خودش را بر روی بدن افراد دارد.
- باده‌ها، گرما و سرما: این عوامل در عین حالی که در همه مناطق وجود دارند اما در هر منطقه‌ای ویژگی‌های خاص خود را دارند.
- آب‌ها: کیفیت آب‌ها در مناطق مختلف- از جمله طعم و وزن آن‌ها- از جایی به جایی دیگر متفاوت است.

بقراط معتقد است پزشکی که از این عوامل اطلاع داشته باشد، وقتی با بیماری خاصی در منطقه خاصی مواجه می‌شود، در تشخیص و درمان اشتباه نخواهد کرد و یا دچار شک و تردید نمی‌شود. با فراسیدن فصل و سال او می‌تواند تشخیص دهد که چه بیماری‌های همه‌گیری در تابستان یا زمستان شهر را تهدید می‌کند و چه افرادی در خطر خواهند بود. تغییر فصول همواره رخ می‌دهد و بنابراین می‌توان میان آن و شیوع بیماری‌ها رابطه برقرار کرد. مثلاً از نظر بقراط تغییرات فصل‌ها بر روی هاضمه مردان تأثیر می‌گذارد. اما بقراط از تأثیر «سال» نیز بر شیوع بیماری‌ها خبر می‌دهد در حالی که از نظر ما تفاوت معنی‌داری میان سال‌ها وجود ندارد. اما بقراط معتقد است: «با آگاهی از تغییرات فصول، طلوع و غروب ستارگان و اینکه هر یک از آن‌ها چگونه رخ می‌دهند او قادر خواهد بود که از قبل بداند چه سالی

در راه است» (۱۲)؛ و در این سال چه بیماری‌هایی - همه‌گیر یا غیر همه‌گیر- رخ خواهند داد. بدین شیوه، پزشک در حفظ سلامت افراد موفق خواهد بود. آنچه می‌توان از این عبارت نتیجه گرفت این است که طلوع و غروب ستارگان بر ویژگی‌های سال مورد نظر تأثیر دارد. او سپس بر این امر تأکید می‌کند که شاید تصور شود که این موارد مربوط به هواشناسی است اما نجوم در این امر تأثیر دارد. «نجوم نقش کوچکی در پزشکی ندارد بلکه نقش بزرگی در آن ایفا می‌کند» (۱۳).

اما چگونه باید موارد فوق را برای بررسی سلامتی افراد یک شهر توضیح داد؟ باده‌ها براساس طلوع و غروب خورشید، و فصول براساس غروب و طلوع ستارگان تبیین می‌شوند. بررسی فصول، باده‌ها و آب‌ها براساس موقعیت خورشید و ستارگان - به‌ویژه طلوع و غروب آن‌ها- انجام می‌شود. مناسب بودن شهرها برای زندگی براساس وضعیت خورشید و بادهایی که می‌وزد به سه بخش تقسیم می‌شوند:

- شهرهایی که بین طلوع و غروب خورشید در معرض بادهای گرم هستند.
- چنین شهرهایی اگر از بادهای شمالی در امان باشند دارای آب فراوان و البته شور هستند. این شهرها در تابستان گرم و در زمستان سردند. بدن ساکنانشان تر و شل است. از این رو نباید زیاد بخورند و بیاشامند. زنان این شهرها در معرض بیماری و کودکانشان در معرض حملات عصبی هستند (۱۴).
- شهرهایی که بین طلوع و غروب زمستانی خورشید در معرض بادهای سرد هستند.
- آب این مناطق خیلی سرد است و مردان شان باریک و بلندند و با مشکلات دفع گوارشی مواجه‌اند. بیماری‌های شایع در بینشان عبارتند از: بیماری‌های همه‌گیر، بیماری‌های حاد و



باشد آنگاه در صورتی که در پاییز بارندگی داشته باشیم، زمستان معتدل باشد - یعنی نه خیلی گرم و نه خیلی سرد باشد- و در بهار و تابستان باران‌های فصلی داشته باشیم؛ آنگاه به احتمال زیاد سال سلامت‌زایی خواهیم داشت. اما اگر زمستان خشک و شمالی و بهار بارانی و جنوبی باشد، تابستان دارای ویژگی تب‌زایی خواهد بود و باعث ایجاد التهاب چشم و اسهال خونی می‌شود.

- اگر در هنگام ظهور شعرای یمانی (باران و طوفان‌های زمستانی به وقوع پیوست، و اگر بادهای اتسیا<sup>۲</sup> بوزد، دلایلی وجود دارد که امیدوار باشیم این بیماری‌ها- اسهال خونی و تب‌های بلغمی- متوقف شوند و پاییز سلامت‌زا باشد. اما اگر چنین نباشد، احتمالاً فصل مهلکی برای کودکان و زنان است.

- اما اگر فصل شمالی و بدون آب باشد، بارانی نمی‌بارد، نه بعد از شعرای یمانی و نه نگهبان شمال<sup>۳</sup> این حالت با کسانی که به‌طور طبیعی بلغمی هستند، یا افرادی که دارای خلق‌وخوی مرطوب هستند و یا زنان به بهترین وجه سازگار است. اما بیشتر برای افراد صفاوی بد است. زیرا آن‌ها خیلی خشک می‌شوند، و در آنان التهاب چشم با طبیعت خشک، تب‌های حاد و مزمن و در برخی موارد سوداوی مشاهده می‌شود .... اما همه این شرایط برای افراد بلغمی مفید است، زیرا سبب

"بادهای دوره ای"؛ بادهای شمالی قوی و خشک دریای اژه هستند که از اواسط ماه مه تا اواسط سپتامبر می‌وزند. بادهای اتسیا تأثیر آب و هوایی غالب در حوضه دریای اژه هستند.

### 3. Arcturus

ذات الجنب. روده‌هایشان بند می‌آید و ریه‌هایشان از ترشحات پر می‌شود که علت آن تنش بدن و سختی روده‌هاست. به دلیل خشکی بدن و سردی آب ممکن است رگ‌هایشان پاره شود .... (۱۵).

- شهرهایی که بین طلوع تابستانی و زمستانی خورشید در معرض بادهای هستند. افرادی که در جهت طلوع خورشیدند بهتر از افرادی هستند که به سمت شمال‌اند. گرما و سرمای این مناطق متعادل‌تر هست و آب‌هایی که به سمت طلوع خورشید رواند شفاف، معطر، ملایم و لذت‌بخش‌ترند. زیرا خورشید صبح‌ها در زمان طلوع و درخشیدن بر این آب‌ها سبب دفع بخارات آن‌ها می‌شود و آن‌ها را خالص و پاک می‌کند. افراد ساکن در این شهرها اغلب خوش رنگ و سرزنده‌اند. صداهايشان صاف است و مزاج و عقلشان بیشتر از افرادی هستند که رو به شمال زندگی می‌کنند. به همین شیوه محصولات چنین سرزمینی بهتر از جاهای دیگر است ... (۱۶).

همان‌طور که می‌بینیم بقراط می‌کوشد تا با بیان تأثیر طلوع و غروب خورشید تأثیر آن بر روی آب‌ها و در نتیجه تأثیر آن بر روی بیماری و سلامت افراد را تبیین کند.

در ادامه این رساله بقراط می‌کوشد تا با بیان موقعیت طلوع و غروب ستارگانی مثل شعرای یمانی تأثیر آن را بر سلامتی و بیماری افراد بیان کند. او در این باره می‌گوید:

- اگر پیدایش طلوع و غروب ستاره‌ها مطابق پیش‌بینی‌ها

#### 1. Dog Star

معادل لاتین شعرای یمانی Sirius است که در محاوره عامیانه به‌عنوان "ستاره سگ" شناخته می‌شود، که نشان دهنده برجستگی آن در صورت فلکی کلب اکبر (سگ بزرگتر) است.

#### 2. The etesian winds

تکراری از نشانه‌های<sup>۳</sup> شدید مثل تب بالا، تعرق زیاد و افزایش استفراغ و اسهال دارند. این بحران‌ها نقاط عطف مهمی در فرایند بیماری بودند که پس از آن بیمار یا بهبود می‌یافت و یا فوت می‌کرد. در جریان این بحران‌ها اخلاط فاسد به صورت ترشحات بینی یا رسوباتی در داخل ادرار و یا صفرای اضافی در مدفوع دفع می‌شد. دوره‌ای بودن این بیماری‌ها معمولاً با اوج شدت نشانه‌های تباردار همچون تشنج<sup>۴</sup> همراه بود. از این رو می‌توانستند روزهای خاصی را بر شمرند که بحران بیماری در آن آشکار می‌شد. جالینوس در رساله‌های بحران‌ها<sup>۵</sup> و روزهای بحرانی (ایام الباحور)<sup>۶</sup> به این بیماری‌ها می‌پردازد. روش درمانی او این بود که با ارائه رژیم غذایی دقیقی خلط فاسد را از بدن فرد دفع کند تا دوباره تعادل میان اخلاط برقرار شود. اما آنچه رساله روزهای بحرانی را مناقشه آمیز می‌کند، کتاب سوم این رساله است که در آن جالینوس می‌کوشد تا با بهره‌گیری از تنجیم طبیعی تبیینی برای بیماری‌ها و درمانش ارائه کند.

او بحث خود را با بررسی اهله ماه شروع می‌کند که بحثی نجومی است. او معتقد است که ماه هفت شکل دارد. چهار شکل آن قبل از پر شدن کامل و سه تا بعد از آن است. اولین شکل آن هلال ماه است، سپس تربیع، پس از آن کوژماه، و در آخر ماه پر یا بدر است. بعد از بدر، کوژماه، سپس مجدداً ماه نصف می‌شود و دوباره به صورت هلال در می‌آید و در آخر هم به محاق می‌رود.

با توجه به وضعیت بالینی بیمار و سطح امکانات و دانش پزشکی در آن زمینه برای بیمار خود دارد.

3. Symptom
4. Paroxysms
5. The Crises
6. Critical Days

خشکی در بدن آنان می‌شوند (۱۷).

- همچنین باید در مورد طلوع ستارگانی همچون شعرای یمانی، نگهبان شمال، و غروب خوشه پروین<sup>۱</sup>، مراقب بود. زیرا بیماری‌ها در این روزها به نقطه بحرانی خود می‌رسند: برخی کشنده به نظر می‌رسند، برخی از بین می‌روند و برخی تغییر اساسی می‌کنند (۱۸).

همان‌طور که ملاحظه کردیم یکی از مراحل تشخیص و پیش‌آگهی<sup>۲</sup> و پیشگیری از بیماری‌ها در نزد بقراط آگاهی از وضعیت حرکت اجرام سماوی، طلوع و غروب خورشید و ستارگان است. اما باید توجه کرد که نزد بقراط، موقعیت اجرام سماوی فقط عاملی در میان عوامل دیگر مثل رژیم غذایی، آب، باد و موقعیت جغرافیایی محل زندگی افراد است و به هیچ‌وجه نقش پیش‌گویی و طالع بینی ندارد. او حتی می‌کوشد تا در برخی موارد مکانیسم تأثیر تغییر و تحولات در اجرام سماوی را بر روی چگونگی بروز و ظهور بیماری‌ها نشان دهد. مثلاً وقتی که از تأثیر طلوع و غروب خورشید بر روی بخار آب‌ها و در نتیجه بر روی بیماری‌ها سخن می‌گوید تلاش می‌کند تا بخار آب‌ها را حلقه واسطی برای نشان دادن مکانیسم تأثیر اجرام سماوی بر روی بیماری‌ها بکار گیرد. از این رو تنجیم پزشکی بقراط نوعی تنجیم طبیعی است.

#### ۴ - روزهای بحرانی و اهله ماه نزد جالینوس

پزشکان یونانی می‌دیدند که برخی بیماری‌ها الگوهای

1. Pleiades
2. Prognosis

پیش‌آگهی یکی از واژگان پزشکی است که برای بیان پیش‌بینی آینده یک بیماری به کار می‌رود. در حقیقت پیش‌آگهی پیش‌بینی‌ای است که پزشک

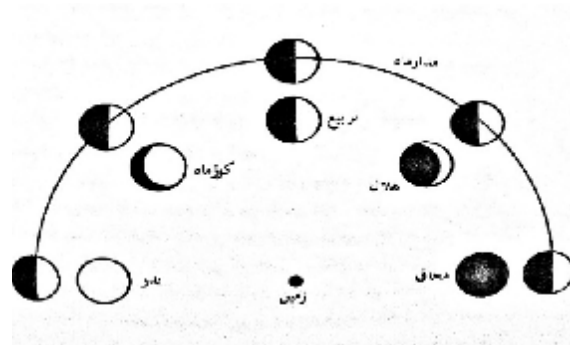
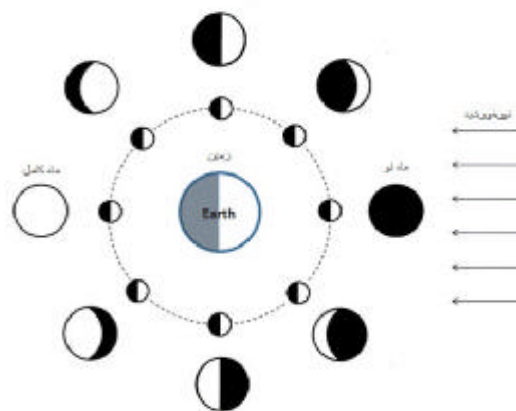
دوم یا در روز سوم دیده شود. این سریع یا آهسته دیده شدن هلال ماه می‌تواند به دلیل حرکت خاص ماه یا تفاوت در عرض جغرافیایی یا به دلیل لحظه مقارنه باشد.

چرخه ماه شامل چهار هفته است: هفته اول از زمان رؤیت شدن ماه تا به نیمه رسیدن آن است که در صورت فلکی ثور<sup>۱</sup> و اسد<sup>۲</sup> قرار دارد. هفته دوم تا زمان رسیدن به ماه کامل است که در صورت‌های فلکی عقرب<sup>۳</sup> و دلو<sup>۴</sup> قرار دارد. هفته سوم تا زمانی است که دوباره ماه به دونیم تقسیم می‌شود که در صورت‌های فلکی سرطان<sup>۵</sup> و حمل<sup>۶</sup> قرار دارد. هفته چهارم تا زمان ناپدید شدن کامل ماه ادامه می‌یابد که در برج ترازو<sup>۷</sup> و اسب شاخ‌دار<sup>۸</sup> است.<sup>۹</sup>

پس از بیان این محاسبه ساده او دوره‌ای بودن روزهای بحرانی بیماری را با اهله ماه پیوند می‌زند و مفهوم یک «ماه پزشکی» را به وجود می‌آورد که ترکیبی از تأثیرات دو دوره تناوب ماه است. از نظر او این ماه پزشکی دلیل دوره‌ای بودن روزهای بحرانی بیماری است. این ماه پزشکی میانگین ماه ۲۷<sup>۱۰</sup> و ۱/۳ روز و ماه هلالی ۲۶<sup>۱۱</sup> و ۱/۲ روز است که از آن یک «هفته پزشکی» از ۶ و ۳۵/۴۸ روز نتیجه می‌شود. بر این اساس او رابطه روشن ولی سطحی میان پیش‌آگهی پزشکی و سنت تنجیم برقرار می‌کند (۱۹).

۹. باید دقت کرد که این صورتها لزوماً دوره‌های مشابهی ندارند، بستگی دارد خورشید در چه برجی باشد. بنظر می‌رسد که جالینوس در اینجا خورشید را در برج حمل فرض کرده است بر این اساس مثلاً اگر خورشید در برج ثور باشد همه این برج‌ها به اندازه یک برج تغییر می‌کنند.

10. Sideral month  
11. Synodic month



او سپس تأثیر ماه - از زمان رؤیت شدن هلال ماه تا ناپدید شدن آن - بر تغییرات هوای زمین را بررسی می‌کند. در زمان مقارنه تغییرات قدرتمند و طولانی مدت‌اند. در زمان بدر تغییرات قدرتمند اما طول مدتشان کوتاه است. در نیمه راه تغییرات بزرگترند. وقتی ماه به صورت کوژ در می‌آید تغییرات ضعیف‌ترند و زمانی که به محاق می‌رود تغییرات ناچیزند. بعد از رویت شدن ماه کمرنگ (ضعیف) هلال ماه ممکن است در روز

1. Taurus
2. Leo
3. Scorpio
4. Aquarius
5. Cancer
6. Aries
7. Libra
8. Capricorn

در کتاب سوم روزهای بحرانی<sup>۱</sup> جالینوس معتقد است که در مقیاس یک سال، خورشید علت تغییرات است اما در مقیاس یک ماه این ماه است که علت تغییرات است. ماه وقتی نصف یا کامل می‌شود، یعنی زمانی که تقریباً هفت یا چهارده روز از چرخه‌اش می‌گذرد، قوی‌ترین اثر را دارد. از این رو چرخه‌های روزهای بحرانی بیماری چند نوع هستند: برخی چرخه‌ها روزانه هستند، برخی ماهانه و برخی هم سالیانه. چرخه‌های روزانه چهارم، هفتم و چهاردهم ماه هستند. چرخه ماهانه، چهلمین روز و شش ماه است. سالانه‌ها، هفت سال و چهارده سال است. رابطه چرخه‌ها به این ترتیب است: چهارده، وقتی به چرخه ماه مربوط می‌شود، در قطر آن (ماه کامل) است، که مشابه شش ماه است که به چرخه خورشید مربوط می‌شود و چهارده سال زمانی که به چرخه زحل مربوط می‌شود (که نیمی از مدار آن است). هم‌چنین، روز هفتم در چرخه قمر مانند یک دوره سه ماهه در چرخه خورشید و مانند هفت سال در چرخه زحل است. طبق این الگو هم‌چنین، چهارمین روز در چرخه قمری، زمانی که در یک شصتم مدارش است، چهل و پنجمین روز از چرخه خورشید است.

بدین گونه جالینوس معتقد است که بیماری‌ها به دو صورت شروع می‌شوند. یکسری بیماری‌هایی هستند که ما شروع آن‌ها را مشاهده می‌کنیم و یکسری هم بیماری‌هایی هستند که با تغییر هوا شروع می‌شوند و دلیل آن‌هم موقعیت خورشید در هر ماه و یا موقعیت ماه در هر هفته می‌باشد گرچه شروع آن‌ها برای ما ممکن است قابل مشاهده نباشد. زودتر آغاز شدن بیماری به

دلیل شدت و دشواری بیماری است. در مورد بیماری‌های حاد، بسیاری از روزهای بحرانی در میانه قرار می‌گیرند، منظور من روزهای سوم، پنجم، ششم و نهم است. اما در مورد بیماری‌های مزمن، تعداد آن‌ها اندک است.

هم‌چنین جالینوس براساس آرای فیثاغورث میان روزهای بحرانی و زوج و فرد بودن اعداد روزها نیز ارتباط برقرار می‌کند: «پیروان فیثاغورث ادعا می‌کنند که اعداد بر دو نوع هستند. برخی عجیب و غریب و مذکرند مثل سوم، پنجم، هفتم و نهم. بحران در روز سوم به دلیل قدرت چرخه و اجبار آن به وجود می‌آید. در روز پنجم، به دلیل قدرت طبیعت؛ در روز هفتم، به دلیل ماه؛ در روز نهم، به دلیل خطایی که پیش می‌آید. اعداد دیگری، زوج و زنانه هستند. مثل دوم، چهارم، ششم، هشتم و دهم» (۲۰).

او از چندگونه تب حرف می‌زند: تب بلغمی، تب سوم و تب کوارتان، تب سوزان، تب خلط دار و تب خون. برخی از بیماری‌ها، مانند تب سوزان، مداوم هستند. برخی دیگر از جنس بیماری‌های مزمن هستند، با این تفاوت که با حرکات حاد حرکت می‌کنند، مانند تبی که ترکیبی از تب خلط دار و تب سوم است. برخی دیگر تب‌های پایدار و مستمر هستند، مانند تب خون، که در تمام روزهای خود از یک الگوی واحد پیروی می‌کند. روز بیستم به دو دلیل به روزهای بحرانی تعلق دارد. یکی از آن‌ها [و این اولین دلیل است] این است که بیماری‌هایی که دوره آن‌ها طولانی است و تخریب و شدت آن‌ها در روزهای زوج است فقط در یکی از روزهای زوج خاتمه می‌یابد. دومی این

است که در کتاب The Alexandrian Summaries of Galen's On Critical Days (صفحات ۶۵-۸۶) آمده است

۱. استناد مطالبی که در ادامه از کتاب روزهای بحرانی می‌آید از ترجمه انگلیسی متن عربی حنین بن اسحاق از کتاب سوم (روزهای بحرانی)

### نتیجه‌گیری

در این مقاله کوشیدیم تا در پرتو تقسیم‌بندی از تنجیم - تنجیم طبیعی و تنجیم احکامی- در عصر پیشامدرن که آکویناس در قرون وسطی انجام داد به بررسی رابطه تنجیم با پزشکی اخلاقی- مطالعه موردی نظریه‌های پزشکی بقراط و جالینوس- بپردازیم. با این روش نشان دادیم که تنجیم پزشکی موجود در نظریه‌های پزشکی بقراط و جالینوس، تنجیمی طبیعی است که می‌کوشد تا تبیینی از سلامتی و بیماری براساس حرکات اجرام سماوی و موقعیت آن‌ها نسبت به یکدیگر ارائه کند. بنابراین تنجیم پزشکی در آثار بقراط و جالینوس امری رازورانه و خرافی نیست بلکه بخشی از رویه پیش‌آگهی، درمان و پیش‌گیری بیماری‌ها در عصر پیشامدرن بوده است.

باید به این نکته دقت کرد که تنجیم بخشی از نوعی «شکل زندگی»<sup>۱</sup> است که در دوران پیشامدرن در جریان بوده است. از این رو بررسی آن از دیدگاه منطق صوری و یا پوزیتیویسم<sup>۲</sup> نمی‌تواند سبب فهم آن در بستر زندگی و پژوهش‌های زمان خودش شود. از این رو لازمه فهم تنجیم به‌مثابه بازی-زبان ای که در شکل زندگی پیشامدرن در جریان بوده است، به‌کارگیری شیوه و روش مردم‌شناسان است. ما باید به تنجیم در دوران پیشامدرن نزدیک شویم «شبیبه پژوهشگر مردم‌شناسی که به پیچ و تاب ذهنی مرد درمانگر در یک اجتماع کشف شده از قبایل نزدیک می‌شود و باید آماده باشیم که این پیچ‌وتاب ذهنی ممکن است به‌شدت غیرمنطقی به‌نظر برسد (وقتی از دیدگاه سیستم ویژه‌ای از منطق صوری مورد قضاوت قرار گیرد» (۲۲).

است که هفته‌ها [شامل] هفت روز کامل نیست، و این بدان دلیل است که سال سیصد و شصت‌وپنج و یک‌چهارم روز دارد و ماه بیست‌ونه و یک‌ششم روز دارد و هفته شش روز و یک نیم و یک‌ششم دارد.

در ترجمه عبری کتاب *روزهای بحرانی* آمده است که دانش درباره بحران بیماری لازمه پیش‌آگهی بیماری است. نشانه‌هایی که در ادرار، مدفوع و نبض بیمار دیده می‌شوند در کنار نشانه‌هایی که در موقعیت ستارگان دیده می‌شوند می‌توانند بر وقوع روزهای بحرانی در بیماری دلالت کنند (۲۱). در میان موقعیت ستارگان، وضعیت ماه و خورشید تأثیر بسزایی در پیش‌آگهی بیماری دارند و همان‌طور که دیدیم جالینوس می‌کوشد بر این اساس مراحل بعدی بیماری را پیش‌بینی کند و این همان کاری است که پزشک بالینی مدرن نیز انجام می‌دهد تنها تفاوت در این است که در نظریه پزشکی بالینی موقعیت ستارگان جایی ندارد. در حالی‌که در نظریه طب اخلاقی، موقعیت ستارگان - در کنار شرایط خود بیمار- یکی از عوامل مؤثر در روند بیماری است. از این رو بررسی موقعیت ستارگان از طرف پزشک در پیش‌آگهی روزهای بحرانی بیماری به معنای وجه طالع بینی تنجیم نیست بلکه وجه طبیعی آن به شمار می‌آید.

بنابراین، روش ما در نزدیک شدن به متونی از این دست باید شیوه‌ی فهم مؤلف هرمنوتیک محور باشد یعنی «خواندن همدلانه‌ی متون و تلاش برای فهم نکاتی که آشکارا بی‌معنی و مهم‌ل به‌نظر می‌رسند؛ به‌عنوان نشانه‌هایی که باید تفسیر شوند و آزمون‌هایی برای فهم آن‌ها طرح شود»<sup>۱</sup>(۲۳).

از این رو، روش ما در این مقاله به‌کارگیری نظرات مدرن درباره تنجیم نبود؛ بلکه کوشیدیم براساس تقسیم‌بندی طبیعی و احکامی از تنجیم، که در همان عصر پیشامدرن بیان شده، تنجیم پزشکی را بررسی کنیم. بدین گونه دیدیم که تنجیم نه‌تنها دانشی مهم در روزگار خود بوده بلکه با انواع دانش‌های عصر خود در ارتباط بوده است به‌طوری‌که فهم دانش‌های مرتبط با آب‌وهوا، کشاورزی و پزشکی در پیشامدرن بدون فهم تنجیم ناقص خواهد بود.

۱. این روشی است که هالبرون در بزرگداشت تامس کوهن، آن را روش آموزشی و تاریخی کوهن می‌داند.

## منابع

- 1- Curry P. "Astrology" in The Encyclopedia of Historians and Historical Writing, Boyd, Kelly (editor), Fitzroy Dearborn, vol 1. London; 1999. pp 55-57.
- 2- Curry P. "Astrology" in The Encyclopedia of Historians and Historical Writing, Boyd, Kelly (editor), Fitzroy Dearborn, vol 1. London; 1999. pp 55-57.
- 3- Willis R, Curry PM. Astrology, Science and Culture: Pulling Down the Moon, Berg: Oxford International Publishers Ltd, Oxford, New York; 2004. P 50.
- 4- Cooper G. M. "Galen and Astrology: A Mesalliance?" in Early Science and Medicine; 2011. 16, p 120-146
- 5- Gordon, HJ. "introduction to third edition" in Encyclopedia of Medical Astrology, Samuel Weiser, Inc, USA; 1939.
- 6- Cornell, HL. Encyclopedia of Medical Astrology, Samuel Weiser, Inc, USA; 1992, 1ed 1933, 2 ed 1939, 3 revised ed 1972; Foreward.
- 7- Jouanna, J. "The Theory of Sensation, Thought and the Soul in the Hippocratic Treatise Regimen: Its Connections with Empedocles and Plato's Timaeus" in Greek Medicine from Hippocrates to Galen; 2012. p 203.
- 8- Jouanna, J. "The Theory of Sensation, Thought and the Soul in the Hippocratic Treatise Regimen: Its Connections with Empedocles and Plato's Timaeus in Greek Medicine from Hippocrates to Galen; 2012. p 203-204.
- 9- Jouanna J. "The Theory of Sensation, Thought and the Soul in the Hippocratic Treatise Regimen: Its Connections with Empedocles and Plato's Timaeus" in Greek Medicine from Hippocrates to Galen; 2012. p 205.
- 10- Jouanna J. "The Theory of Sensation, Thought and the Soul in the Hippocratic Treatise Regimen: Its Connections with Empedocles and Plato's Timaeus" in Greek Medicine from Hippocrates to Galen; 2012. p 221.
- 11- Jouanna J. "The Theory of Sensation, Thought and the Soul in the Hippocratic Treatise Regimen: Its Connections with Empedocles and Plato's Timaeus" in Greek Medicine from Hippocrates to Galen; 2012. p 222.
- 12- Hippocrates. On Airs, Waters, and Places translated by Francis Adams, Dodo Press, London; 2009. Part 2.
- 13- Hippocrates. On Airs, Waters, and Places translated by Francis Adams, Dodo Press, London; 2009. Part 2.
- 14- Hippocrates. On Airs, Waters, and Places translated by Francis Adams, Dodo Press, London; 2009. Part 3.
- 15- Hippocrates. On Airs, Waters, and Places translated by Francis Adams, Dodo Press, London; 2009. Part 4.
- 16- Hippocrates. On Airs, Waters, and Places translated by Francis Adams, Dodo Press, London; 2009. Part 5.
- 17- Hippocrates. On Airs, Waters, and Places translated by Francis Adams, Dodo Press, London; 2009. Part 10.
- 18- Hippocrates. On Airs, Waters, and Places translated by Francis Adams, Dodo Press, London; 2009. Part 11.
- 19- Cooper, G. M. "Galen and Astrology: A Mesalliance?" in Early Science and Medicine; 2011. 16, p 129.
- 20- Bos. G. & Langermann. Y. Tzvi. The Alexandrian summaries of Galen's on critical days: editions and translations of the two versions of the Jawami', Koninklijke Brill nv, Leiden, The Netherlands; 2015. p 85.
- 21- Bos G. & Langermann. Y. Tzvi. The Alexandrian summaries of Galen's On critical days: editions and translations of the two versions of the Jawami', Koninklijke Brill nv, Leiden, The Netherlands; 2015. p 110.
- 22- Feyerabend P. Against Method, Verso; 1993, 3 ed, reprinted 2002. p. 191-192.
- Heilbron J L. "Thomas Samuel Kuhn: 17 June 1996-18 July 1992", Isis. 1998. vol. 98, p 505-515.

## Medical Astrology in Hippocrates and Galen's Medical Works

Gholamhossein Moghaddam Heidari\*<sup>1</sup>

1. Associate Professor, Department of Philosophy of Science, Chair of Department of History of Science, Faculty of History and Philosophy of Science, The Institute for Humanities and Cultural Studies Science (IHCS), Tehran, Iran.

**Received:** 7 February 2022

**Accepted:** 15 May 2022

**Published:** 10 August 2022

**\*Corresponding Author**

**Gholamhossein Moghaddam Heidari**

**Address:** 64<sup>th</sup> Street, Kurdistan Expressway, Tehran, Iran.

**Postal Code :** 14377-74681

**Tel:** +982188317200

**Email:** gmheidari@gmail.com

**Citation to this article:**

Moghaddam Heidari Gh. Medical astrology in Hippocrates and Galen's medical works. *Iranian Journal of Medical Ethics and History of Medicine*. 2022; 15: 89-104.

### Abstract

In the pre-modern period, astrology has been the practice of relating celestial bodies to lives and events on earth and the resulting tradition. One aspect of astrology was based on the knowledge of astronomy and mathematical calculations, and the other aspect dealt with soothsaying. We can talk about two types of astrology: natural astrology and judicial astrology. Natural astrology has admitted the idea of celestial influences of a general nature, such as would affect the weather or the environment of a patient, and thus his chances of healing. Judicial astrology aims to determine the particular effects of the stellar influences on a specific person, with a view toward forecasting the future.

But it is noteworthy that many sciences in the pre-modern period used astronomical results. Thus, understanding the knowledge related to climate, agriculture and medicine in the pre-modern era is not complete without understanding astrology. In this article, in the first part, we try to briefly describe astrology and its types and enumerate some features of medical astrology as part of natural astrology. In the second part, we will examine how astrology influenced the medical theories of Hippocrates and Galen in ancient Greece. And we show that medical astrology for them has been part of the natural process of explaining diseases and methods of prognosis and treatment and prevention.

Our method in this article is the hermeneutic-based author understanding method. In other words, in this article, we do not use modern ideas about astrology, but try to examine medical astrology based on the natural and judicial astrology, which were expressed in the same pre-modern era. Thus, we show that astrology was not only an important science in its time, but was also related to the various sciences of its time, so that the understanding of knowledge related to medicine in the pre-modern would be incomplete without understanding astronomy.

**Keywords:** Natural astrology, Judicial astrology, Medical astrology, Hippocrates, Galen.

